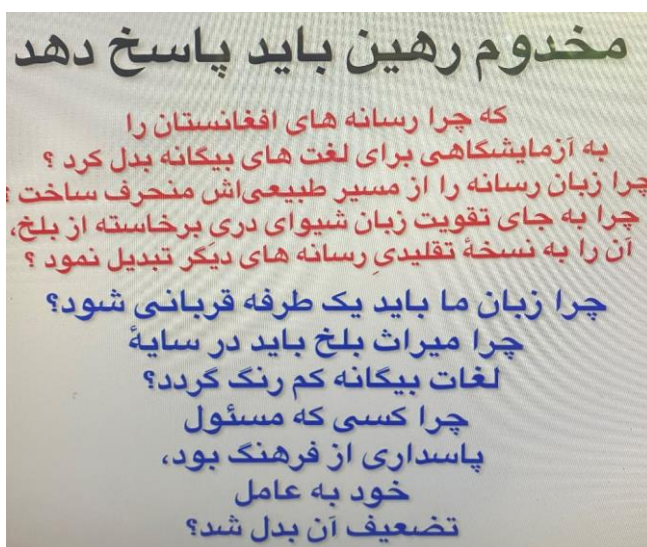




۰۳ جون، ۲۰۲۶

انتخاب از میدیای انترنتی – لمبه رنگریز

چرا میراث بلخ باید در سایه لغات بیگانه ایرانی کم رنگ گردد؟



مخدوم رهین پاسخ دهد

در روزگاری که زبان، ستون هویت یک ملت است، بزرگ ترین خیانت نه در میدان سیاست، بلکه در میدان لغت ها رخ می دهد .

خیانتی آرام، اما ویرانگر، خیانتی که سال ها در رسانه های افغانستان جریان داشت و یکی از چهره های اصلی آن، [[مخدوم رهین بود]] کسی که به جای پاسداری از زبان شیوای دری برخاسته از بلخ، آن را با سیلی از لغات بیگانه و نامأنوس آشفته ساخت.

دانشمندان زبان شناس، چه در ایران و چه در افغانستان، بارها گفته اند که ریشه زبان دری، ریشه ای بلخی است ، زبانی که از دل تاریخ این سرزمین برخاسته و با خون و اندیشه مردمش بالیده است .

اما آنچه در دوره مدیریت فرهنگی رهین رخ داد، نه غنا بخشیدن به زبان، بلکه تحمیل یک سویه لغات وارداتی بود ، لغاتی که نه از مسیر طبیعی تبادل فرهنگی، بلکه از مسیر وابستگی سیاسی و فکری وارد شدند.

غنا زمانی معنا دارد که دو سوی یک زبان، یکدیگر را به رسمیت بشناسند .

اما وقتی یک طرف، طرف ایرانی لغات و میراث ادبی ما را از فرهنگ نامه هایش حذف می کند، و طرف دیگر آدمی مثل مخدوم رهین همچنان دروازه ها را بی قید و شرط باز می گذارد، این دیگر تبادل نیست، تسلیم است. و تسلیم در حوزه زبان، یعنی بریدن ریشه یک ملت. مخدوم رهین باید پاسخ دهد که چرا رسانه های افغانستان را به آزمایشگاهی برای لغت های بیگانه بدل کرد؟

چرا زبان رسانه را از مسیر طبیعی اش منحرف ساخت؟
چرا به جای تقویت زبان دری برخاسته از بلخ، آن را به نسخه تقلیدی رسانه های دیگر تبدیل نمود؟

این کار، نه اشتباه ساده، بلکه ضدیت با فرهنگ و حافظه جمعی بود.
زبان، تنها ابزار سخن گفتن نیست، حافظه تاریخی یک ملت است.
هر لغت بی جای تحمیل شده، یک زخم کوچک بر پیکر این حافظه است.
و وقتی این زخم ها پی در پی تکرار شوند، هویت یک ملت آرام آرام فرسوده می شود.
ملت افغانستان حق دارد بپرسد:

چرا زبان ما باید یک طرفه قربانی شود؟

چرا میراث بلخ باید در سایه لغات بیگانه کم رنگ گردد؟

چرا کسی که مسئول پاسداری از فرهنگ بود، خود به عامل تضعیف آن بدل شد؟
پاسخ گویی، کمترین وظیفه مخدوم رهین است.

زبان این سرزمین، میراث هزارساله مردمش است، و هیچ کس حق ندارد آن را به میدان آزمایش سیاست های بیگانه تبدیل کند.

تبصره یکی از خوانندگان مضمون انتقادی بالا که اکثریت به نظر نویسنده مهر تائید گذاشت:

دری میراث جاودان بلخ است. بلخ، این شهر کهن که یونانیان آن را "مادر شهرها" می نامیدند، نه تنها مهد تمدن، بلکه زادگاه زبان دری است.

دانشمندان برجسته ای چون استاد عبدالحی حبیبی، دکتر محمد محبوب، و استاد ذبیح الله صفا با اسناد زبان شناسی ثابت کرده اند که دری از زبان باختری، بلخی ریشه گرفته است.

کتیبه های سرخ کوتل، متون بودایی و زرتشتی بلخ، این پیوند تاریخی را به روشنی آشکار می سازند.

از همین خاک بود که رودکی، مولانا، ناصر خسرو و سنایی برخاستند و زبانی ساختند که قرن هاست روح بشریت را می نوازد. بلخ سخن گفت، و آن سخن، دری شد.

لمبه رنگریز